

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، صفحات ۳۷-۶۷

عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه اجتماعی در میان کشاورزان: مطالعه موردی شهرستان‌های قروه و دهگلان، استان کردستان

محمد امین شریفی، محمود حسینی *

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۹/۱۱

چکیده

طی چند دهه گذشته، همواره ضرورت نظام بیمه اجتماعی به‌خاطر نقش چشمگیر آن در پایداری فعالیت‌ها و بهبود کیفیت زندگی روستایی مطرح بوده است. مقاله حاضر به دنبال تبیین پذیرش بیمه اجتماعی در میان کشاورزان دو شهرستان قروه و دهگلان از توابع استان کردستان است. افراد نمونه با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با انتساب بهینه در میان ۱۷۰ کشاورز پذیرنده و ۲۶۰ کشاورز ناپذیرنده تعیین و داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه به‌دست آمد. بر اساس نتایج تحقیق، متغیرهای مرتبط با پذیرش بیمه اجتماعی در قالب چند عامل اصلی قابل تلیخیص بودند که سرانجام، عوامل توان اقتصادی خانوار، بی‌اعتمادی کشاورز، سرمایه انسانی خانوار، سطح توسعه روستایی، و پیروی از دیگران وارد مدل شدند؛ در یک ترکیب خطی لوجیت، این عوامل ۷۵ درصد از احتمال پذیرش بیمه اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، نتایج بیانگر تفاوتی معنی‌دار بین کشاورزان پذیرنده و ناپذیرنده بیمه اجتماعی به‌لحاظ تأثیرپذیری از دو عامل بی‌اعتمادی نسبت به پذیرش و سطح توسعه روستایی است.

* به ترتیب: کارشناس ارشد توسعه روستایی، و استادیار توسعه و ترویج کشاورزی، دانشگاه تهران.

کلیدواژه‌ها: بیمه اجتماعی / تأمین اجتماعی / کشاورزان / روستاییان / مطالعه موردی / قروه (شهرستان) / دهگلان (شهرستان) / کردستان (استان).

* * *

مقدمه

تأمین اجتماعی، که آن را آمیزه‌ای از امنیت اقتصادی و بیمه اجتماعی می‌دانند، نظامی جامع است که آحاد جامعه را در برابر رویدادهای قابل انتظار و پیش‌بینی نشده طبیعی، اقتصادی و اجتماعی مورد حمایت قرار می‌دهد (پژویان، ۱۳۷۹). با این تعریف، اصل ۲۹ قانون اساسی مقرر کرده است که حق دستیابی به تأمین اجتماعی برای عموم مردم یک تکلیف دینی و ملی و ضرورتی انکارناپذیر برای آحاد جامعه است (طالب، ۱۳۷۰). همواره برای هر جامعه اعم از توسعه‌یافته یا در حال توسعه، توسعه و تعمیم نظام تأمین اجتماعی و غلبه بر مخاطرات طبیعی و غیرطبیعی زندگی به‌مثابه هدفی راهبردی و بلندمدت است و در نهایت، ابزاری برای استقرار امنیت، ثبات و عدالت اجتماعی به‌شمار می‌آید (پناهی، ۱۳۷۸؛ رشیدی، ۱۳۸۱). بر همین اساس، طی نیم قرن اخیر، در بسیاری از کشورهای دنیا، بیمه‌های اجتماعی در قالب برنامه اصلی نظام تأمین اجتماعی و به‌مثابه یکی از زیرساخت‌های حیات اقتصادی جامعه در حال گسترش روزافزون بوده است اما همواره توسعه و تعمیم بیمه‌های اجتماعی به تمام افراد شاغل در بخش‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه با دشواری‌ها و موانعی مواجه بوده و در پاره‌ای از موارد، با شکست روبه‌رو شده است (Katz and Meyer, 1990; Feldstein, 2004).

در کشور ما نیز با وجود چند دهه تلاش در حوزه‌های مختلف تأمین اجتماعی، هنوز بخشی قابل توجه از جمعیت کشور از پوشش این شبکه ایمنی و دسترسی به خدمات آن بی‌بهره مانده‌اند که از آن میان، می‌توان به جمعیت ساکن و فعال در محیط‌های روستایی اشاره کرد. هرچند، امروزه بیمه اجتماعی از اجزای جدایی‌ناپذیر نظام اشتغال محسوب می‌شود و در شرایط وقوع حوادث و رویدادهای طبیعی و

غیرطبیعی و نیز در برابر آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی همانند یک تور ایمنی عمل می‌کند، اما تاکنون این نظام در کشورمان نتوانسته است در بلندمدت سازوکاری موفق برای پوشش جامعه کشاورزی ارائه کند (زاهدی، ۱۳۷۵؛ شیرزاد، ۱۳۸۳). با این همه، به‌رغم بی‌توجهی به توسعه ظرفیت‌های تولیدی مناطق روستایی کشور طی دهه‌های گذشته، هنوز این بخش نقشی بسیار مؤثر در تولید ناخالص داخلی دارد (۲۳ درصد)، و نزدیک به ۲۵ درصد از میزان اشتغال را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع، مناطق روستایی کشور محل تمرکز منابع طبیعی، تأمین‌کننده امنیت غذایی و نیز پشته‌های ظرفیت‌های توسعه پایدار به‌شمار می‌روند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۱). به‌علت وجود شرایط متغیر و مهارنشده در بخش کشاورزی و روستایی، این بخش بیش از سایر بخش‌های تولیدی با مخاطرات متعدد طبیعی و غیرطبیعی روبه‌روست و در این میان، همواره عامل انسانی به‌مثابه مهم‌ترین عامل تولید در این بخش با شرایط خطر و آسیب‌پذیری مواجه است (ترکمانی و قربانی، ۱۳۷۸؛ ایروانی و همکاران، ۱۳۸۵؛ Anderson, 2001). کشاورزان به‌مثابه تأمین‌کنندگان امنیت غذایی، در طول سال‌های فعالیت، به مخاطراتی همچون بیماری، از کار افتادگی، انواع ناتوانی‌های جسمی، و سالخورده‌گی زودرس دچار می‌شوند؛ و تأمین معاش زندگی آنها به‌ویژه در سنین پیری و از کارافتادگی سخت و ناممکن خواهد شد. هرچند، تلاش دولت و مؤسسات برای بیمه محصولات و حتی دام‌ها در حال گسترش است، اما هنوز کشاورزان تولیدکننده صد میلیون تن محصولات کشاورزی زیر پوشش تأمین اجتماعی قرار ندارند (نوبخت حقیقی، ۱۳۸۸).

شاید بتوان پایین بودن سطح اطمینان و امنیت فعالیت در این بخش را یکی از دلایل ناکامی سیاست‌های نگهداشت جمعیت جوان و فعال روستایی دانست. همچنین، کاهش سطح کیفیت زندگی روستایی نسبت به جامعه شهری و عمیق‌تر شدن شکاف بین سکونتگاه‌های روستایی و شهری، خروج جمعیت فعال از بخش روستایی و مهاجرت آن به حاشیه شهرها، و رها شدن منابع محدود آب و خاک کشور و سرانجام، کاهش میزان بهره‌وری تولید در بخش کشاورزی را می‌توان از جمله چالش‌های جدی فراروی محیط‌های روستایی برشمرد (قدیری معصوم و نجفی کانی، ۱۳۸۲؛ مطیعی لنگرودی،

۱۳۸۶). ناگفته پیداست که می‌توان همانند برخی کشورها، با اجرای نظام بیمه اجتماعی کارآمد در جامعه روستایی، بخشی از این چالش‌ها را کاهش داد و از این رهگذر، شرایط تثبیت جمعیت فعال و ارتقای کیفیت زندگی را بهبود بخشید. بر این اساس، مهم‌ترین هدف ایجاد بیمه‌های اجتماعی را می‌توان حمایت و تأمین در برابر برخی اشکال نامنی در محیط روستا عنوان کرد که با اجرای درست آن، پایه‌ای از حمایت درآمدی برای کشاورزان فراهم خواهد شد (شیرزاد، ۱۳۸۳؛ ماهر، ۱۳۸۳).

اگر چه در ۱۳۸۴، صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر تأسیس شد، اما به دلیل ضعف عملکرد برخی از کارگزاری‌ها و عدم شکل‌گیری سازوکارهای اجرایی کارآمد، در عمل، عضویت روستاییان در این صندوق از ۱۳۸۶ آغاز شد (صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر، ۱۳۸۶). طبق گزارش‌های رسمی، تا پایان ۱۳۸۷، نزدیک به ۷۰۰ هزار خانوار از روستاییان کشور با همکاری ۳۵۰۰ کارگزاری به عضویت این صندوق درآمدند که البته از اهداف صندوق، گسترش بیمه اجتماعی برای تمام جامعه هدف است. بر اساس سازوکار طراحی شده، بیشتر کارگزاران صندوق بیمه اجتماعی روستاییان دهیاری‌ها بوده و در مواردی نیز تعاونی‌های کشاورزی و روستایی این کار را بر عهده گرفته‌اند. حق بیمه برای عضویت در صندوق ۱۵ درصد سطح درآمد اظهاری است، که ۵ درصد آن بر عهده بیمه‌گذار است و ۱۰ درصد دیگر را دولت تأمین می‌کند. تعهدات صندوق نیز پرداخت مستمری‌های پیری و از کار افتادگی و مستمری بازماندگان را شامل می‌شود. داشتن حداقل ۱۸ سال و حداکثر ۵۵ سال سن برای مردان و ۵۰ سال برای زنان در هنگام شروع پذیرش بیمه و نیز سکونت در روستا از شروط اصلی عضویت در صندوق بیمه اجتماعی است. البته طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی، خانوارهای ساکن در شهرهای دارای زیر ۲۰ هزار نفر جمعیت می‌توانند بیمه روستاییان و عشایر را بپذیرند، مشروط بر آنکه زیر پوشش بیمه‌های اجباری، بازنشستگی و تأمین اجتماعی نباشند (صندوق بیمه روستاییان و عشایر، ۱۳۸۷).

آمارها و گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که روند گسترش بیمه اجتماعی و عضویت روستاییان در صندوق بیمه طی چند سال گذشته به‌کندی انجام گرفته و با

موانع و عوامل گوناگون بازدارنده مواجهه بوده است. از این رو، نظر به اهمیت بالای بیمه اجتماعی روستاییان در افزایش امنیت فعالیت‌های روستایی و سرمایه‌گذاری کشاورزی، افزایش تولید و در نتیجه، بهبود کیفیت زندگی روستاییان، می‌توان فراهم‌سازی زمینه‌ها و شرایط لازم برای توسعه بیمه اجتماعی را اقدامی مؤثر در تحقق توسعه پایدار روستایی ارزیابی کرد. بر این اساس، نخستین گام در راستای افزایش مشارکت روستاییان در این زمینه عبارت است از دستیابی به شناختی مبتنی بر روش‌های علمی در رابطه با چگونگی پذیرش و عدم پذیرش بیمه، که می‌توان از نتایج آن در برنامه‌های مربوط سود جست. پژوهش حاضر با همین هدف در سطح مناطق روستایی شهرستان‌های قروه و دهگلان از توابع استان کردستان انجام گرفته و بر آن بوده است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- عوامل اصلی مؤثر در پذیرش بیمه اجتماعی کشاورزان کدام‌اند؟
- ۲- ویژگی‌های کشاورزان پذیرنده و ناپذیرنده بیمه اجتماعی چه تفاوت‌هایی دارند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفهوم بیمه اجتماعی^(۱) بر خورداری از «اطمینان» و «تأمین» در زندگی اجتماعی است و برای توصیف برنامه‌های انتقالی با هدف رفع و یا کاهش انواع مخاطره در چرخه زندگی افراد به کار می‌رود. ادغام و سرشکن کردن مخاطره^(۲) ایده اصلی بیمه محسوب می‌شود، و خود مستلزم ترکیب مخاطرات پیش روی تعداد زیادی از افراد است؛ این کار از طریق پرداخت حق بیمه در یک صندوق مشترک انجام می‌گیرد (Feldstein, 2004; Hardaker and Huirne, 1997). این برنامه‌ها یا حالت اجباری^(۳) دارند و یا اساساً با پشتوانه کمک‌های مالی شکل می‌گیرند. برخلاف برنامه‌های رفاه اجتماعی، هدف از برقراری بیمه اجتماعی بازتوزیع درآمدها نیست، بلکه اساساً پرداخت مزایای آن مربوط به شرایط بروز حوادث و پیشامدها^(۴) در زندگی افراد است، که بدون ملاحظه درآمد یا دارایی آنها انجام می‌گیرد. برای نمونه، بیمه بیکاری به کسانی

که کار خود را از دست می دهند، منافع از کار افتادگی به کسانی که قادر به کار نیستند، و منافع بازماندگان به خانواده بیمه شدگان متوفی پرداخت می شود. در بیمه های اجتماعی، سرانه حق بیمه به نسبت سطح درآمد افراد بیشتر می شود و به همان نسبت، عایدی بازنشستگی و سایر مزایای مربوط افزایش می یابد. به همین دلیل، برخی صاحب نظران بر این باورند که در اصل، بیمه های اجتماعی در خدمت گروه های بالای درآمدی است (Katz and Meyer, 1990; Ginneken, 1999). به عقیده حتی (Chetty, 2004)، بسیاری از صاحب نظران نیز بدین باور رسیده اند که در بیمه اجتماعی، اگر چه خانوارهای دارای درآمد متوسط و بالا به نسبت خانوارهای کم درآمد از منافع بیشتری برخوردار می شوند، اما با گسترش این برنامه ها و پوشش کامل جمعیت شاغل یک کشور در کنار برنامه های رفاه و حمایت اجتماعی، می توان سطح زندگی همه افراد اجتماع را ارتقا بخشید.

اصل تأمین اجتماعی و به ویژه بیمه های اجتماعی به روشی برای پوشش و جلوگیری از سقوط شدید مصرف و سطح زندگی در دوران پیری و از کار افتادگی مربوط می شود. طبق فرضیه مدل چرخه زندگی^(۵)، افراد در طول سال هایی که کار می کنند، دارای پس اندازند اما در دوره بازنشستگی و پیش از دوران جوانی، پس انداز ندارند و باید از درآمدهای دوران جوانی خود (دوران فعالیت اقتصادی) هزینه این دوره ها را پوشش دهند (عبدلی، ۱۳۸۴). این موضوع را می توان از طریق نظام های بازنشستگی نهادینه کرد، که سازوکار آن کسر حق بیمه از دستمزدها در زمان اشتغال و پرداخت مزایا در دوره بازنشستگی است. همچنین، به طور معمول، دیگر بیمه ها مانند بیمه های از کار افتادگی، بیکاری، و فوت نیز همگی به مخاطرات دوران فعالیت و کار افراد مربوط می شوند. با این رویکرد، برخی اندیشمندان به فلسفه بیمه های اجتماعی پرداخته اند و آن را وظیفه مشترک آحاد جامعه و دولت در قبال یکدیگر می دانند، که نتیجه آن ایجاد همبستگی اجتماعی^(۶) و مسئولیت مشترک اجتماعی است. اغلب این دیدگاه آمیزه ای است از این نکته که «افراد قادر به اتخاذ تصمیمات پیچیده ای نیستند که

معطوف به برنامه‌ریزی برای درآمد بازنشستگی و یا هزینه‌های مربوط به مخاطرات پیش‌بینی نشده باشد» (Goldberg and Graetz, 2000; Chetty, 2004). در مقابل، فلدستین و سامویک (Feldstein and Samwick, 2001) بر این باورند که افراد دارای ترجیحات و مطلوبیت‌های متفاوت‌اند و خود بهتر از کارگزاران دولتی می‌توانند در رابطه با منافع‌شان به قضاوت بپردازند. فلدستین معتقد به تنوع ترجیحات^(۷) و توان بیشتر افراد برای انتخاب و عمل بر اساس منافع آنهاست اما در عین حال، برای دولت این نقش را قائل است که تمهیدات لازم برای توجیه منافع بیمه اجتماعی را فراهم سازد. به عبارت دیگر، وی به‌جای هرگونه تعهد فلسفی برای ایجاد و انسجام اجتماعی، فراهم آوردن مطلوبیت^(۸) و سودمندی بیمه‌های اجتماعی را عامل اصلی مؤثر در انتخاب و پذیرش آنها می‌داند (Feldstein, 2004).

تجربه دهه‌های گذشته در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که گسترش بیمه‌های اجتماعی به‌لحاظ پوشش‌دهی تمام مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی، از یک سو، و گسترش دامنه خدمات این برنامه‌ها، از سوی دیگر، از سیاست‌های حمایتی برای استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی شناخته شده است (طالب، ۱۳۷۰؛ علی‌حسینی، ۱۳۸۲؛ کلدی، ۱۳۸۰). در این میان، به‌دلیل عدم اتکا به مکانی خاص (کارگاه) و نیز به‌خاطر ماهیت متفاوت کار و فعالیت در مواردی مانند کار پاره وقت و کار برای چند کارفرما و گاه به‌صورت غیرضروری، همواره نظام سنتی بیمه اجتماعی برای پوشش بیمه افراد خوداشتغال^(۹) یا صاحبان حرف و مشاغل آزاد و همچنین، مشاغل کشاورزی و روستایی با دشواری‌هایی مواجه بوده است^(۱۰). این در حالی است که در شرایط نوین اقتصادی، این‌گونه مشاغل با افزایش روزافزون روبه‌روست (Katz and Meyer, 1990; Ginneken, 1999). مواردی همچون نبود شفافیت در سرمایه‌ها و درآمدهای افراد جامعه و علاقه‌مندی کمتر مردم به پرداخت مالیات و نیز پایین بودن درآمد سرانه از مشکلات پیش روی پوشش کامل شاغلان در برنامه‌های تأمین اجتماعی ایران شناخته شده‌اند (پناهی، ۱۳۷۸).

مشاغل کشاورزی و روستایی نیز دارای ماهیت خوداشتغالی و خویش‌فرمایی بوده و از این‌رو، تاکنون زیر پوشش نظام بیمه‌های اجتماعی ایران قرار نگرفته است، در حالی که برخی کشورها با پیش‌بینی سطوح مختلف حق بیمه، توانسته‌اند برای مشاغل کشاورزی و روستایی نیز بیمه اجتماعی برقرار کنند (سام‌آرام، ۱۳۸۳؛ شیرزاد، ۱۳۸۳). در حال حاضر، در سطح جهان، سه راهبرد اساسی در قالب اجرای برنامه‌های ویژه بازنشستگی کشاورزان با موفقیت روبه‌رو شده که عبارت‌اند از: راهبرد اول، برنامه حساب بازنشستگی فردی؛ راهبرد دوم، برنامه حقوق و مزایای بازنشستگی کشاورزان؛ و راهبرد سوم، برنامه‌های گئوک^(۱۱). هر کدام از این برنامه‌ها دارای خصوصیتی است که بر اساس نظام مسلط بهره‌برداری، فرهنگ روستایی کشاورزان، سطح درآمد آنها، و پیشینه تاریخی، می‌توان آن را برتر شمرد (ماهر، ۱۳۸۳). برای نمونه، در لهستان، کشاورزان حق بیمه خود را به صورت ماهانه و هفتگی به میزان ۱۸ درصد درآمد و ۱۰ درصد کمک دولت پرداخت می‌کنند. حق بیمه پرداختی توسط کشاورزان بسیار پایین‌تر از حق بیمه افرادی است که در نظام عمومی خارج از فعالیت‌های اقتصادی غیرکشاورزی بیمه شده‌اند (۶۰ درصد) و اما بیشتر از حق بیمه کارگران مزدبگیر بخش کشاورزی است (Jablonska, 2005).

رامش (Ramesh, 2007) بخشی از موانع گسترش بیمه‌های اجتماعی در مناطق

روستایی کشورهای در حال توسعه را به صورت زیر بیان می‌کند:

- ۱- آگاهی توده روستاییان از شرایط و منافع بیمه بسیار پایین است؛
- ۲- منافع بیمه تنها به چند مورد خاص محدود شده است؛
- ۳- کارگزاران و شرکت‌های بیمه بیشتر در بخش شهری متمرکزند؛ و
- ۴- در زمینه نیازهای روستاییان، که ماهیتی متفاوت با بخش شهری دارد، هیچ‌گونه نوآوری‌های نهادی دیده نمی‌شود.

رامش معتقد است که روستاییان به مراتب بیش از شهرنشینان با مخاطرات مواجه می‌شوند و ظرفیت مقاومت آنها در برابر اثرات این مخاطرات بسیار پایین‌تر است، که

بیشتر به دلیل درآمد کم و نامنظم آنهاست. به عقیده او، امروزه کمتر روستایی‌ای در کشورهای در حال توسعه یافت می‌شود که هنگام مواجه شدن با خسارت‌های ناگهانی و پیش‌بینی نشده، به راحتی آن را به سرنوشت خود ربط دهد، بلکه بیمه اجتماعی را نیازی می‌داند که برای او در اولویت است (Ramesh, 2007). برخلاف او، هازل (Hazell, 1992) بر این باور است که کشاورزان دهقان، با افزودن بر تنوع درآمدی و شمار نیروهای شاغل، می‌کوشند از نگرانی‌های خود در مورد عدم درآمد و یا درآمد پایین در پی مخاطرات احتمالی کار و فعالیت و نیز دوران پیری بکاهند و بدین ترتیب، نیاز کمتری به بیمه اجتماعی احساس می‌کنند. فلدستین نزدیک‌بینی^(۱۲) خانوارها در شرایط جدید اقتصادی را رفتاری غیرمنطقی می‌داند که مانع از مطلوبیت بیمه اجتماعی برای آنهاست (Feldstein, 2004). به باور جینکن (Ginneken, 1999)، به هیچ وجه نمی‌توان مشکلات مربوط به توسعه بیمه‌های اجتماعی در میان کشاورزان را با بخش غیررسمی مقایسه کرد؛ زیرا در بخش کشاورزی، امکان توسعه و سرمایه‌گذاری وجود دارد و به هر حال، کشاورزان انواع دیگر بیمه مانند بیمه‌های محصولات و دام را تجربه می‌کنند. آندرسون (Anderson, 2001) اصولاً بیمه اجتماعی برای کشاورزان را نوعی نوآوری می‌داند که پذیرش آن از سوی آنها نیاز به طی مراحل خاص خود دارد. او معتقد است که فلسفه بیمه اجتماعی و منافع معطوف به جامعه ایجاب می‌کند که دولت ملزومات و حمایت‌های لازم برای پذیرش آن از سوی کشاورزان را فراهم آورد. در ایران نیز از آنجا که بیمه اجتماعی روستاییان در قالب طرحی جدید در مناطق روستایی کشور ارائه شده است، می‌توان بخشی از موضوع را در چارچوب مباحث نظری مربوط به «پذیرش نوآوری‌ها» مطرح کرد. در اوایل دهه ۱۹۷۰، دیدگاه غالب در پذیرش نوآوری‌ها دیدگاهی بود که به‌طور عمده، از نظریه‌های راجرز^(۱۳) با عنوان «مدل نشر نوآوری‌ها» سرچشمه می‌گرفت. در این مدل، بر رابطه پذیرش با آگاهی تأکید می‌شود؛ و بر اساس آن، کشاورزان به تدریج نسبت به فواید نوآوری آگاهی می‌یابند و با تأثیرپذیری از دیگران، آن را می‌پذیرند^(۱۴). با گذشت زمان،

طی دهه ۱۹۷۰، مشخص شد که رابطه بین آگاهی و پذیرش نوآوری‌ها رابطه‌ای کامل نیست؛ و محققان اعلام کردند که در بسیاری از موارد، در یک نظام اجتماعی، فرصت برابر برای پذیرش یک روش یا فناوری جدید برای اعضای آن نظام وجود ندارد (Mohammed and Ortman, 2005; Dinar and Yaron, 1992). از این‌رو، نباید با توجه صرف به کسب آگاهی افراد، تأثیرگذاری متغیرهای نهادی و ساختی و همین‌طور، توان تأمین هزینه پذیرش بر تصمیم آنها را نادیده گرفت. این یافته به پیدایش رویکردی کل‌گرایانه انجامید که بر اساس آن، کشاورزان از سه گروه عمده عوامل اقتصادی (هزینه‌های پذیرش، منافع، و مانند آن)، فناوری (مناسب بودن)، و نهادی (میزان دسترسی، بازار، و مانند آن) در گزینش‌های خود تأثیر می‌پذیرند و در اثر این عوامل، پذیرش نوآوری‌ها خواه محدود می‌شود و خواه به پیش خواهد رفت (کرمی و همکاران، ۱۳۸۵).

جابلونسکا (Jablonska, 2005)، در مناطق روستایی لهستان، بدین نتیجه رسید که نوع فعالیت کشاورزی، بهره‌وری تولید، و درآمد کشاورزان سه عامل دارای تأثیر معنی‌دار بر پذیرش بیمه اجتماعی به‌شمار می‌روند، و سهم حق بیمه پرداختی کشاورزان با درآمد خالص آنها دارای همبستگی معنی‌دار است؛ به دیگر سخن، در مالکیت بزرگ‌مقیاس، میزان سهم بیمه کشاورزان از کل درآمد آنها کمتر (۱۱ درصد) و برای کشاورزان کوچک‌مقیاس، این سهم بسیار بالاتر است (۴۵ درصد)؛ و به همین دلیل نیز کمک دولت به کشاورزان متناسب با درآمد آنها متغیر است.

نتایج تحقیق رامش در مناطق روستایی هند بیانگر آن است که در اصل، روستاییان با ایده بیمه مخالف نیستند بلکه باید هزینه پذیرش آن در توان آنها و خود بیمه نیز دربرگیرنده پوشش مناسب در برابر مخاطرات باشد. این تحقیق عوامل متعدد مرتبط با درآمد خانوار (مانند تعداد شاغلان خانوار، فعالیت خارج از مزرعه، تنوع شغلی، و دارایی‌های تولیدی) را در یک مؤلفه به نام «توان اقتصادی خانوار» خلاصه می‌کند که در مدل تحلیل عاملی پذیرش بیمه اجتماعی، به‌صورت عامل اول مطرح می‌شود (Ramesh, 2007).

جیانگو (Jianguo, 2006)، طی تحقیقی در مناطق روستایی چین، مشخص کرد که پذیرش بیمه‌های اجتماعی در میان روستاییان متأثر از تصورات سنتی^(۱۵) و نیازمند فرآیند شناخت تدریجی^(۱۶) در زمینه نوآوری‌ها و ارتقای منابع انسانی است. بر این اساس، فرد در تصمیم‌گیری برای پذیرش بیمه بسیار تحت تأثیر نظر دیگران قرار می‌گیرد. همچنین، در این تحقیق، سطح توسعه روستایی در بخش‌های مختلف ارتباطی، خدماتی، زیربنایی و بازار عاملی مؤثر در پذیرش بیمه اجتماعی از سوی روستاییان شناخته شده است.

هازل نشان داد که ارزش مورد انتظار بیمه برای کشاورزان قرار گرفته در معرض تصمیم‌گیری و انتخاب تقریباً به‌طور قطعی منفی است، مگر آنه برآورد خود آنها تحقق یابد. در چنین شرایطی، مخاطره بیمه برای شرکت‌های بیمه‌گر افزایش می‌یابد. بر اساس استنباط هازل، بیمه کشاورزان با نوعی مخاطره اخلاقی^(۱۷) همراه است (Hazell, 1992). پژوهش آنجلینی و هیروس (Angelini and Hirose, 2004) در اندونزی نشان داد که ضعف منابع تولید عامل اصلی عدم پذیرش بیمه در اقتصاد غیررسمی است و در اثر همین عامل و نیز سطح پایین سواد و مهارت‌های شغلی غیرکشاورزی، زمینه گسترش بیمه‌ها در میان کشاورزان بی‌زمین، کم‌زمین، ماهیگیران، بهره‌برداران حاشیه‌ای، و زنان در بخش رسمی مناطق روستایی بسیار محدود شده است. بر اساس نتایج همین پژوهش، بی‌اعتمادی بین مؤسسات دولتی و غیردولتی کارگزار بیمه و کشاورزان دوسویه بوده و عدم تمایل هر دو طرف به مشارکت در این عرصه را موجب شده است؛ این بی‌میلی به‌مثابه یک هنجار در پذیرش بیمه اجتماعی از سوی کشاورزان تأثیری منفی دارد.

در پژوهش یک مؤسسه اقتصادی در مناطق روستایی اوکراین، عوامل فردی و موقعیت اقتصادی- اجتماعی محیط‌های روستایی دو عامل اصلی مؤثر در پذیرش بیمه اجتماعی روستاییان شناخته شده‌اند (GAG, 2006). جینکن نیز زیرساخت‌های اقتصادی- اجتماعی مناطق روستایی را به‌صورت عاملی با تأثیر معنی‌دار در توسعه بیمه‌های اجتماعی معرفی می‌کند (Ginneken, 1999). شیرزاد (۱۳۸۳)، در یک مطالعه

تطبیقی، بدین نتیجه می‌رسد که توسعه بیمه‌های اجتماعی در بخش کشاورزی بدون حمایت‌های جدی دولت امکان‌پذیر نیست و در این میان، باید رابطه‌ای منطقی بین سطح درآمد کشاورزان و سرانه حق بیمه در برنامه‌های مورد نظر برقرار شود تا از این رهگذر، سطح پذیرش بیمه افزایش یابد.

پاره‌ای از نتایج پژوهش‌ها در زمینه بیمه‌های محصولات کشاورزی و دام را می‌توان در زمینه پذیرش بیمه اجتماعی نیز مورد استفاده قرار داد، اگر چه به نظر می‌رسد که کشاورزان رفتار و نگرشی متفاوت نسبت به انواع بیمه‌ها از خود بروز می‌دهند. ایروانی و همکاران (۱۳۸۵)، راستگو و رضوانفر (۱۳۸۶)، و دربان آستانه و ایروانی (۱۳۸۶)، در تحقیقات میدانی خود، پذیرش بیمه کشاورزی را یک نوآوری متأثر از متغیرهای فردی، توسعه‌ای (اقتصادی - اجتماعی) و نگرشی - رفتاری می‌دانند. ترکمانی و قربانی (۱۳۷۸)، در پژوهش خود، بدین نتیجه می‌رسند که مخاطره‌گریزی و تحلیل هزینه - فایده بیمه از سوی کشاورزان دو عامل دارای تأثیر معنی‌دار در پذیرش بیمه شناخته می‌شوند. ترکمانی (۱۳۷۷)، در بررسی پذیرش بیمه، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که ایجاد اطمینان در کشاورز، دریافت وام، پیروی از دیگران، و حق بیمه مهم‌ترین عوامل مؤثر به‌شمار می‌روند. دریجانی و قربانی (۱۳۷۷) نیز با برآورد مدل لججیت، نشان می‌دهند که متغیرهای اعتباری، مالکیت و دارایی‌ها، نوع کشاورزی، و سابقه مخاطره مهم‌ترین عوامل مؤثر در پذیرش بیمه از سوی بهره‌برداران است. تحقیق ایروانی و همکاران (۱۳۸۵) از طریق رگرسیون لججستیک نشان داد که متغیرهای سواد، آگاهی از بیمه، مالکیت زمین، دریافت غرامت، و دریافت وام عوامل دارای تأثیر معنی‌دار در پذیرش بیمه محسوب می‌شوند.

مواد و روش‌ها

این تحقیق به‌لحاظ هدف، از نوع کاربردی و به‌لحاظ میزان نظارت، درجه کنترل و نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی - پیمایشی^(۱۸) است. متغیر وابسته تحقیق

«پذیرش بیمه اجتماعی» بوده و بر اساس عضویت در صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عقد قرارداد با کارگزاری مربوط، تعریف و در مقیاس دوجهی (پذیرش = ۱ و عدم پذیرش = ۰) سنجش شده است. بر اساس مبانی نظری و پژوهشی تحقیق، مجموعه‌ای گوناگون از متغیرها و سازه‌ها در حکم متغیر مستقل انتخاب شد و پس از تعریف مفهومی و عملیاتی، گردآوری اطلاعات مربوط به آنها صورت گرفت. سنجش سازه‌ها با استفاده از مقیاس‌ها و معرف‌های معتبر انجام شد و تعیین روایی محتوایی و سازه‌ای هر کدام از آنها با توجه به تحقیقات گذشته و منابع مرتبط، نظر پانل کارشناسان و نیز از طریق تحلیل عاملی صورت گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بود که به روش حضوری تکمیل شد، و تعیین و تأیید روایی صوری و محتوایی آن از طریق پانل افراد متخصص به‌انجام رسید. به‌منظور سنجش پایایی، از آزمون آلفای کرونباخ و روش بازآزمایی^(۱۹) در یک گروه پایلوت سی نفره در بازه بیست روزه استفاده شد ($\alpha = 0.76$) و به‌دلیل کمتر بودن مقدار آلفای کرونباخ برای برخی از متغیرهای سازه‌ای، اصلاح لازم در آنها صورت گرفت. با توجه به الگوی کشت رایج، جامعه آماری همه تولیدکنندگان ترکیبی گندم و سیب زمینی در دو شهرستان قروه و دهگلان از توابع استان کردستان با جمعیت ۹۴۸۰ نفر را دربرمی‌گیرد. برای تعیین حجم نمونه آماری نیز از پیش‌برآورد واریانس صفت اصلی تحقیق (درآمد خانوار) استفاده شد ($N=176$). با توجه به تأثیر متغیرهای جغرافیایی در پژوهش میدانی، و علمی نبودن انتخاب افراد نمونه به روش تصادفی ساده، این کار به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با انتساب بهینه صورت گرفت.

منطقه مورد مطالعه دارای پنج بخش و در مجموع، شامل سیزده دهستان است که با توجه به فعالیت کارگزاری‌های بیمه در حوزه دهستان، کشاورزان دو شهرستان مورد مطالعه در سیزده خوشه قرار داده شدند؛ سپس، حجم نمونه هر دهستان به نسبت کشاورزان آن تعیین شد. آنگاه در هر دهستان، فهرستی از همه روستاهای دارای حداقل یک کشاورز پذیرنده بیمه اجتماعی تهیه و متناسب با سهم هر دهستان، تعداد روستای نمونه مشخص شد. برای تعیین افراد نمونه در این روستاها، به‌ازای هر سه کشاورز

پذیرنده، یک کشاورز به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد؛ سپس، در همان روستا، از میان کشاورزانی که بیمه اجتماعی را نپذیرفته‌اند، یک یا دو نفر به‌ازای هر کشاورز پذیرنده به‌طور کاملاً تصادفی انتخاب شدند و مورد مطالعه قرار گرفتند. بدین ترتیب، نمونه مورد مطالعه ۱۷۰ کشاورز پذیرنده و ۲۶۰ کشاورز ناپذیرنده بیمه اجتماعی را شامل می‌شود.

در تحقیق حاضر، با بهره‌گیری از مبانی نظری و نتایج مطالعات گذشته، چندین متغیر و سازه در قالب عوامل مؤثر در پذیرش یا عدم پذیرش بیمه اجتماعی مد نظر قرار گرفتند، که از جمله‌اند: ویژگی‌های کشاورزان مانند سن، سطح تحصیلات، مهارت، دارایی‌ها، درآمد، سطح مشارکت در عمران روستایی^(۲۰)، آگاهی از بیمه‌های اجتماعی، اعتماد به کارگزار بیمه، توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا^(۲۱)، و پیروی از رفتار دیگران. از این‌رو، پیداست که تعداد متغیرهای مستقل این تحقیق زیاد و احتمال بروز هم‌خطی و خودهمبستگی میان آنها بالاست؛ به همین دلیل، مجموعه متغیرهای دارای همبستگی درونی قوی از طریق تحلیل عاملی و روش خاص آن - یعنی، تحلیل مؤلفه‌های اصلی در یک عامل - استخراج شدند^(۲۲). استخراج عوامل با این هدف به‌روش متعامد^(۲۳) انجام گرفت که در آن، عوامل تقریباً مستقل از یکدیگرند. در واقع، مؤلفه (عامل) متغیری جدید است که از طریق ترکیب خطی متغیرهای اصلی، بر پایه معادله زیر برآورد می‌شود:

$$F = \sum_{i=1}^p A_{ji} X_i$$

هدف از به‌کارگیری این روش، یافتن ترکیباتی از P متغیر X_1, X_2, \dots, X_p برای ایجاد متغیرهای مستقل و غیرهمبسته F_1, F_2, \dots, F_p است. در واقع، این متغیرهای جدید متغیرهایی متفاوت را در خود جای می‌دهند و دیگر خبری از اطلاعات تکراری نیست. در معادلی بالا، A بیانگر ضرایب نمره عاملی و P معرف تعداد متغیرهاست. در این تحقیق، عوامل و سازه‌هایی که در واقع، مشکل هم‌خطی و خودهمبستگی آنها رفع شده است، در تحلیل رگرسیون به‌منظور تبیین پذیرش بیمه اجتماعی کشاورزان مورد استفاده قرار گرفتند. متغیر وابسته این تحقیق متغیری دووجهی^(۲۴) است. برای پیش‌بینی این نوع متغیرها، می‌توان از روش‌های رگرسیونی مختلف استفاده کرد؛ مانند تحلیل تشخیصی، مدل

احتمال خطی، لوجیت، و پروبیت که هر کدام ویژگی‌ها و شرایط استفاده خاص خود را دارند (Maddala, 1992). فرض اساسی مدل اول نرمال بودن چندمتغیره‌هاست، و مدل دوم مقید به ثابت بودن احتمال مرزی^(۲۵) است (Mohammed and Ortman, 2005). اگر چه از مدل‌های سوم و چهارم انتظار نتایجی یکسان نمی‌رود اما در این تحقیق، به دلیل عدم تناسب^(۲۶) میزان پذیرش بیمه اجتماعی در میان کشاورزان، از مدل لوجیت استفاده می‌شود. این مدل متکی بر تابع توزیع تجمعی است و نتایج به دست آمده، در صورت تحقق حداکثر درست‌نمایی ۳۴ در جریان برآورد نتایج، به توزیع ویژگی‌های نمونه حساس نخواهند بود (کلانتری، ۱۳۸۳). شکل عمومی مدل عبارت است از:

$$\text{Logit}(p_i) = L_n\left(\frac{p_i}{1-p_i}\right) \quad (1) \quad p_i = \frac{e \times p^{z_i}}{1 + e \times p^{z_i}} \quad (2)$$

که در آن، e پایه لگاریتم طبیعی و P_i احتمالی است که بر مبنای آن، گزینش معینی از α_i انجام می‌شود. در مدل لوجیت، فرض بر این است که پذیرش بیمه اجتماعی (Z_i) یک متغیر احتمالی است که احتمال پذیرش آن در رابطه ۲ آمده است. از این رو، برای کشاورزی که در شرایط تصمیم‌گیری در مورد پذیرش بیمه اجتماعی قرار می‌گیرد، معادله زیر به صورت مدل لوجیت به دست خواهد آمد:

$$Z_i = \ln\left(\frac{p_i}{1-p_i}\right) = \alpha + \sum_{j=1}^k B_j X_j$$

یافته‌های تحقیق

بررسی رابطه متغیرها

برای دستیابی به اعتبار انتخاب و انسجام متغیرها، بررسی و تحلیل رابطه یا وابستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق صورت گرفت. با توجه به دوجویی بودن مقیاس «پذیرش بیمه اجتماعی» به منزله متغیر وابسته تحقیق، آزمون کای اسکوئر^(۲۷) بهترین آزمون شناخته شد. بدین منظور، تغییر رتبه^(۲۸) متغیرهای کمی از مقیاس فاصله‌ای و نسبی به مقیاس رتبه‌ای انجام شد. در جدول ۱، مقدار آماره X^2 و آزمون سطح معنی‌داری آن برای بررسی وابستگی هر کدام از متغیرها با پذیرش بیمه اجتماعی آمده است.

جدول ۱- آزمون وابستگی متغیرهای مستقل و پذیرش بیمه اجتماعی

ردیف	متغیر	قیاس اصلی / واحد	X^2
۱	سن کشاورز	فاصله‌ای / سال	۴۱/۳**
۲	تحصیلات کشاورز	فاصله‌ای / سال	۲۸/۱**
۳	میانگین تحصیلات خانوار	فاصله‌ای / سال	۲۱/۳**
۴	سطح مهارت خانوار	فاصله‌ای / سال	۲۴/۹**
۵	بعد خانوار	فاصله‌ای / سال	۱۸/۸**
۶	درآمد فعالیت کشاورزی	نسبی / ریال	۴۳/۳**
۷	درآمد فعالیت غیرکشاورزی	نسبی / ریال	۳۵/۹**
۸	مالکیت زمین	نسبی / هکتار	۲۹/۴**
۹	مالکیت دام	نسبی / رأس	۲۰/۵**
۱۰	تعداد فرزندان شاغل در روستا	نسبی / نفر	۳۷/۲**
۱۱	تنوع کشت محصولات	نسبی / عدد	۴/۶
۱۲	فاصله روستا از شهر	نسبی / عدد	۴/۲
۱۳	فاصله روستا از کارگزار بیمه	نسبی / کیلومتر	۱۱/۶*
۱۴	بی‌اعتمادی کشاورز به کارگزار بیمه	فاصله‌ای / سال	۳۲/۷**
۱۵	سطح مشارکت در عمران روستایی	فاصله‌ای / سال	۱۲/۱*
۱۶	سطح آگاهی از بیمه	فاصله‌ای / ندارد	۲/۹
۱۷	پیروی از دیگران	فاصله‌ای / ندارد	۳۰/۸**
۱۸	تمایل به کاهش مخاطره	فاصله‌ای / ندارد	۴/۲
۱۹	سطح توسعه اقتصادی روستا	فاصله‌ای / ندارد	۲۶/۶**
۲۰	سطح توسعه اجتماعی روستا	فاصله‌ای / ندارد	۲۷/۳
۲۱	دسترسی به نهاده‌ها و خدمات تولیدی	فاصله‌ای / ندارد	۸/۵*

* معنی‌داری در سطح خطای ۰/۰۱ ** معنی‌داری در سطح خطای ۰/۰۵

مأخذ: نتایج تحقیق

همان‌گونه که مقدار کای اسکوئر و سطح معنی‌داری آن نشان می‌دهد، متغیرهای دارای وابستگی معنی‌دار با متغیر وابسته «پذیرش بیمه اجتماعی» عبارت‌اند: سن کشاورز، سطح تحصیلات کشاورز، میانگین تحصیلات خانوار، سطح مهارت خانوار،

بعد خانوار، درآمد فعالیت کشاورزی، درآمد فعالیت غیرکشاورزی، مالکیت زمین، مالکیت دام، تعداد فرزندان شاغل در روستا، فاصله روستا از کارگزار بیمه، بی‌اعتمادی کشاورز به کارگزار بیمه، سطح مشارکت در عمران روستایی، پیروی از دیگران، تمایل به کاهش مخاطره، سطح توسعه اقتصادی روستا، سطح توسعه اجتماعی روستا، و دسترسی به نهاده‌ها و خدمات تولیدی. همچنین، این نتایج بیانگر آن است که چهار متغیر تنوع کشت محصولات، فاصله روستا از شهر، سطح آگاهی از بیمه، و تمایل به کاهش مخاطره با متغیر وابسته رابطه معنی‌دار نداشته‌اند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، متغیرهای مستقل با متغیر وابسته وابستگی معنی‌داری دارند و از این‌رو، نتیجه می‌گیریم که متغیرهای انتخابی مناسب نیستند.

نتایج تحلیل عاملی

داده‌های اولیه برای تحلیل عاملی عبارت است از ماتریس همبستگی بین متغیرهای مستقل که بر اساس آزمون کایسر مایر آلکین^(۲۹)، شایستگی لازم برای تحلیل عاملی را داراست (سطح معنی‌داری = ۰/۰۰ و $KMO=0/84$). برای اطمینان بیشتر، از آزمون دیگری به نام «کای اسکوتر بارتلت» استفاده شد که این آزمون نیز معنی‌دار بودن ماتریس همبستگی برای تحلیل عاملی را نشان می‌دهد (سطح معنی‌داری = ۰/۰۰ و $BTS=5741/22$). نتایج تحلیل عاملی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- تبیین واریانس و استخراج عوامل

عامل	درصد تجمعی واریانس	درصد نسبی واریانس	مقدار ویژه
۱	۲۹/۳	۲۹/۳	۷/۳۲
۲	۴۷/۸	۱۸/۵	۳/۲۵
۳	۵۹/۴	۱۱/۶	۲/۱۶
۴	۶۷/۷	۸/۳	۱/۳۲
۵	۷۲/۹	۵/۲	۲/۶۰
۶	۷۶/۳	۳/۴	۱/۸۴

مأخذ: نتایج تحقیق

بر اساس نتایج تحلیل عاملی داده‌ها، شش عامل اول دارای مقدار ویژه بزرگ‌تر از یک بوده و در مجموع، ۷۶/۳ درصد از واریانس را به خود اختصاص داده‌اند. برای تشخیص اینکه هر کدام از متغیرها به کدام عامل تعلق دارد، و نیز برای تفسیرپذیر کردن عوامل^(۳۰)، از دوران عاملی به روش واریماکس^(۳۱) استفاده شد، که حاصل آن در جدول ۳ آمده است. در این جدول، هر کدام از متغیرها با ضریبی معین در یک عامل بارگذاری و قابل تفسیر شده‌اند^(۳۲).

جدول ۳- ماتریس عاملی دوران یافته

نماد	عامل						متغیر
	F _۱	F _۲	F _۳	F _۴	F _۵	F _۶	
X _۱	۰/۸۲۰						درآمد بخش کشاورزی
X _۲	۰/۷۵۹						درآمد خارج از بخش کشاورزی
X _۳	۰/۷۲۴						مالکیت زمین
X _۴	۰/۶۴۲						مالکیت دام
X _۵	۰/۶۱۲						مالکیت ماشین‌آلات
X _۶		-۰/۵۸۰					سن
X _۷		۰/۷۳۸					سطح تحصیلات کشاورز
X _۸		۰/۶۱۱					میانگین تحصیلات خانوار
X _۹		۰/۵۸۰					سطح مهارت خانوار
X _{۱۰}		۰/۶۴۱					بعد خانوار
X _{۱۱}		۰/۶۱۰					تعداد فرزندان شاغل در روستا
X _{۱۲}			-۰/۶۷۹				فاصله روستا از کارگزار بیمه
X _{۱۳}			-۰/۶۱۹				بی‌اعتمادی کشاورز به کارگزار بیمه
X _{۱۴}			۰/۵۸۸				سطح مشارکت در فعالیت‌های عمران و توسعه روستایی
X _{۱۵}				۰/۷۴۱			سطح توسعه اقتصادی روستا
X _{۱۶}				۰/۶۱۴			سطح توسعه اجتماعی روستا
X _{۱۷}					-۰/۷۹۶		پیروی از دیگران
X _{۱۸}						۰/۶۷۵	آگاهی کشاورز از بیمه اجتماعی

p > ۰/۵

مأخذ: نتایج تحقیق

- متغیرهای درآمد بخش کشاورزی، درآمد خارج از بخش کشاورزی، مالکیت زمین، مالکیت دام، و مالکیت ماشین‌آلات روی عامل اول (F_1) بارگذاری شد که در مجموع، دارای بیشترین سهم در تبیین واریانس متغیرها بود (۲۹/۳ درصد). با توجه به ماهیت متغیرها، این عامل «توان اقتصادی خانوار» نامیده شد.
 - متغیرهای سن، سطح تحصیلات کشاورز، میانگین تحصیلات خانوار، سطح مهارت خانوار، بعد خانوار، و تعداد فرزندان شاغل در روستا در عامل دوم (F_2) بارگذاری شد که در مجموع، ۱۸/۵ درصد از واریانس را تبیین کرد. با توجه به ماهیت متغیرها و ضریب عاملی آنها، این عامل «سرمایه انسانی خانوار» نامیده شد.
 - متغیرهای فاصله روستا از کارگزار بیمه، بی‌اعتمادی کشاورز به کارگزار بیمه، و سطح مشارکت در فعالیتهای عمران و توسعه روستایی در عامل سوم (F_3) قرار گرفت و در یک ترکیب خطی، ۱۱/۶ درصد از واریانس را به خود اختصاص داد. با توجه به بار معنایی، این عامل «بی‌اعتمادی کشاورز» نامیده شد.
 - دو متغیر سطوح توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا در عامل چهارم (F_4) قرار گرفت و در مجموع، ۸/۳ درصد از واریانس را تبیین کرد. این عامل «سطح توسعه روستا» نامیده شد.
 - متغیر پیروی از دیگران در عامل پنجم (F_5) قرار گرفت و ۵/۲ درصد از واریانس را به خود اختصاص داد. این عامل همان «پیروی از دیگران» نامیده شد.
 - متغیر آگاهی کشاورز از بیمه اجتماعی نیز در عامل ششم (F_6) بارگذاری شد و ۳/۴ درصد از واریانس را به خود اختصاص داد. این عامل نیز همان نام متغیر مربوط را به خود گرفت.
- نمره عاملی به دست آمده نشان‌دهنده اهمیت نسبی هر کدام از عوامل است^(۳۳) که به ترتیب، عبارت‌اند از: توان اقتصادی خانوار، سرمایه انسانی خانوار، بی‌اعتمادی کشاورز به کارگزار بیمه، پیروی از دیگران، سطح توسعه روستا، و آگاهی کشاورز از بیمه اجتماعی.

نتایج تحلیل رگرسیون لجیت

همان‌گونه که نتایج یادشده نشان می‌دهد، از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی، مجموعه متغیرهای مستقل در پنج عامل تلخیص شد. از آنجا که این عوامل مستقل از یکدیگرند و مشکلات خودهمبستگی و هم‌خطی ندارند، می‌توان از آنها در توابع خطی استفاده کرد. این عوامل برای تبیین «پذیرش بیمه اجتماعی از سوی کشاورزان» در مدل رگرسیون لجیت مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این مدل، بر اساس عوامل مستقل مورد نظر، می‌توان نسبت احتمال پذیرش به عدم پذیرش بیمه اجتماعی (یک = پذیرش و صفر = عدم پذیرش) را محاسبه کرد. در اینجا، متغیرهای مستقل در مدل لجیت به صورت مجموعه‌ای از کوواریت‌ها^(۳۴) عمل می‌کنند (ماردیا و دیگران، ۱۳۷۶). به همین دلیل، برای برآورد مدل، از روش «پیشرو گام به گام» استفاده شد. تعیین روند پیشرفت مدل و آزمون اعتبار هر کدام از مراحل نیز از طریق شاخص بهبود^(۳۵) کای اسکوئر صورت گرفت^(۳۶) (جدول ۴).

جدول ۴- روند پیشرفت مراحل مدل لجیت

مدل	پیش‌بینی‌های پذیرفته شده در مدل	X^2 (بهبود یافته)	معنی داری	R^2
۱	توان اقتصادی خانوار	۴۴/۲۸	۰/۰۰۰	۰/۵۴
۲	بی‌اعتمادی کشاورز	۳۲/۱۸	۰/۰۰۰	۰/۵۹
۳	سرمایه انسانی خانوار	۲۴/۶۱	۰/۰۰۷	۰/۶۴
۴	پیروی از دیگران	۱۵/۴۱	۰/۰۰۳	۰/۷۰
۵	توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا	۸/۹۳	۰/۰۱	۰/۷۶

مأخذ: نتایج تحقیق

این نتایج نشان می‌دهد که با جلو رفتن مدل رگرسیون لجیت و وارد شدن متغیرهای جدید، شاخص بهبود کای اسکوئر کاهش می‌یابد اما این شاخص برای پنج مدل به دست آمده معنی دار است. بر این اساس، مدل پنجم به منزله مدل نهایی پذیرفته خواهد شد. پارامترهای برآورد شده مربوط به مدل لجیت با استفاده از روش حداکثر درست‌نمایی^(۳۷) در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵- نتایج برآورد مدل نهایی لوجیت

معنی داری	Wald	S.E	B	پیش بین ها	ردیف
۰/۰۰۰	۱۳/۷۱	۰/۲۰۴	۲/۶۹	توان اقتصادی خانوار	۱
۰/۰۰۲	۶/۲	۰/۳۱۸	-۱/۳۲	بی‌اعتمادی کشاورز	۲
۰/۰۰۵	۸/۳۱	۰/۲۵۱	۰/۹۳۰	سرمایه انسانی خانوار	۳
۰/۰۲۸	۴/۴	۰/۶۱۲	۰/۵۲۸	توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا	۴
۰/۰۱۲	۶/۳	۰/۸۱۰	-۰/۸۷۳	پیروی از دیگران	۵
۰/۰۰۳	۹/۸۱	۲/۶۱	۱/۹۰	ثابت	

$R^2=0/76$ ، $X^2=73/44$ ، لگاریتم نسبت درست‌نمایی (LR) $=260/83$ ، درصد پیش‌بینی درست = ۷۷

مأخذ: نتایج تحقیق

به‌منظور انجام آزمون قدرت تبیین مدل، آماره‌های مربوط در پایین جدول ۵ آمده است. مقدار آماره کای اسکوئر ($X^2=73/44$) نشان‌دهنده برآزش خوب مدل است. در آزمون لگاریتم نسبت درست‌نمایی، تابع در حالت مقید (همه ضرایب برابر صفر) و بدون قید مقایسه می‌شود. مقدار به‌دست آمده برای این آزمون (L.R) برابر با $260/83$ است و نشان می‌دهد که تغییرات تبیین‌شده از طریق این مدل (پذیرش و عدم پذیرش بیمه اجتماعی) در سطح بالاتر از یک درصد معنی‌دار است. در این مدل، میزان پیش‌بینی درست برابر با ۷۷ درصد است. بنابراین، مدل لوجیت به‌دست آمده درصد بالایی از مقادیر متغیر وابسته (تفکیک پذیرندگان و ناپذیرندگان بیمه اجتماعی) را بر اساس متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند، پیش‌بینی کرده است. با توجه به پارامترهای برآورد شده در جدول ۵، مدل نهایی به‌صورت زیر خواهد بود:

$$Z = 1/90 + 2/69F_1 - 1/32F_2 + 0/930F_3 + 0/528F_4 - 0/873F_5$$

که در آن: Z = پذیرش بیمه اجتماعی (۱ = پذیرش و ۰ = عدم پذیرش)؛ F_1 = توان اقتصادی خانوار؛ F_2 = بی‌اعتمادی کشاورز؛ F_3 = سرمایه انسانی خانوار؛ F_4 = توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا؛ و F_5 = پیروی از دیگران.

مقدار به‌دست آمده برای ضریب تعیین ($R^2=0/73$)^(۳۸) نیز بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد، می‌توان گفت که ۷۳ درصد از احتمال پذیرش بیمه اجتماعی توسط

کشاورزان از طریق یک رابطه خطی لگاریتمی تبیین می‌شود؛ و پیش‌بینی ترکیب خطی این عوامل بدین‌گونه خواهد بود: توان اقتصادی خانوار، بی‌اعتمادی کشاورز، سرمایه انسانی خانوار، توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا، و پیروی از دیگران. به‌منظور بررسی تفاوت پذیرندگان و ناپذیرندگان بیمه اجتماعی بر حسب عوامل اثرگذار بر آن، از آزمون مقایسه میانگین t و مان-ویتنی^(۳۹) (U) استفاده شد (جدول ۶).

جدول ۶- مقایسه میانگین عوامل بین پذیرندگان و ناپذیرندگان بیمه اجتماعی

معنی‌داری	Z	نوع آزمون	مقیاس	عوامل
۰/۰۰۰**	۳/۷۳	t	فاصله‌ای	توان اقتصادی خانوار
۰/۹۷۰*	۱/۰۱۱	u	ترتیبی	بی‌اعتمادی کشاورز
۰/۰۰۰**	۷/۱۳	t	نسبتی	سرمایه انسانی خانوار
۰/۷۱۱*	۱۲/۶۲	t	ترتیبی	توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا
۰/۰۰۰**	۳/۲۸	u	؟	پیروی از دیگران

*معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ **معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

مأخذ: نتایج تحقیق

چنان‌که قابل مشاهده است، میان پذیرندگان بیمه اجتماعی به‌لحاظ توان اقتصادی خانوار تفاوتی معنی‌دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر، در مدل برآورد شده، به‌لحاظ تأثیرگذاری این عامل بر پذیرش بیمه اجتماعی، این دو گروه به‌خوبی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. برای متغیرهای سرمایه انسانی خانوار و پیروی از دیگران نیز همین نتیجه به‌دست می‌آید؛ اما در مورد عوامل بی‌اعتمادی کشاورز و سطح توسعه روستا، دو گروه مورد بررسی دارای تفاوت معنی‌دار نیستند.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که از نتایج و یافته‌های پژوهش برمی‌آید، توان اقتصادی خانوار تأثیری مثبت و معنی‌دار بر پذیرش بیمه اجتماعی دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های رامش

(Ramesh, 2007) و جابلونسکا (Jablonska, 2005) سازگار بوده و در این تحقیق نیز قابل انتظار است؛ زیرا در مورد کشاورزان دارای توانمندی بیشتر اقتصادی، امکان پرداخت حق بیمه بیشتر است و می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که کشاورزان دارای توان اقتصادی کمتر از ترجیحات هزینه‌ای بیشتری برخوردارند و از این‌رو، پرداخت حق بیمه از سوی آنها در اولویت قرار نمی‌گیرد. همچنین، با توجه به امیدواری کمتر این دسته از کشاورزان در مورد پایداری زندگی خود در محیط روستایی، انگیزه سرمایه‌گذاری آنها برای آینده نیز کمتر خواهد بود. سرمایه‌انسانی خانوار نیز تأثیری مثبت و معنی‌دار بر پذیرش بیمه اجتماعی داشت، که نتیجه‌ای منطقی به نظر می‌رسد و با یافته‌های پژوهش آنجلینی و هیروز (Angelini and Hirose, 2004) نیز مطابقت دارد. به دیگر سخن، کشاورزانی که از سرمایه‌انسانی بالاتری برخوردارند، برای تأمین اجتماعی خود ارزش بیشتری قائل‌اند و از این‌رو، آینده‌نگری بیشتری نیز در رفتار خود بروز می‌دهند.

رابطه منطقی و معنی‌دار بی‌اعتمادی کشاورزان با پذیرش بیمه اجتماعی مورد انتظار بود و نشان می‌دهد که هر چه این بی‌اعتمادی بیشتر شود، احتمال پذیرش بیمه اجتماعی کاهش می‌یابد. این نتیجه با آنچه آنجلینی و هیروز (Angelini and Hirose, 2004) و به‌نوعی هازل (Hazell, 1992) به‌دست آورده‌اند، سازگاری دارد. در این پژوهش، ماهیت بی‌اعتمادی کشاورزان برای پذیرش بیمه اجتماعی از طریق تحلیل عاملی مشخص شده که اساساً دربرگیرنده بی‌اعتمادی به کارگزار بیمه، فاصله کارگزار بیمه از محل سکونت کشاورز، و پایین بودن سطح مشارکت عمومی کشاورزان در برنامه‌های عمومی روستاست.

پیروی از نظر و رفتار دیگران تأثیری منفی و معنی‌دار بر پذیرش بیمه اجتماعی دارد. از این‌رو، هر چه کشاورزان برای تصمیم‌گیری در زمینه پذیرش بیمه اجتماعی از دیگران بیشتر پیروی کنند، احتمال پذیرش آنها کمتر می‌شود. این نتیجه که در پژوهش جیانگو (Jianguo, 2006) نیز به‌دست آمده است، جای تأمل دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که کشاورزان در حالت عادی با تأثیرپذیری از دیگران در برابر پذیرش بیمه مقاومت

می‌کنند. از سوی دیگر، عدم وابستگی این متغیر به بی‌اعتمادی کشاورز نشان می‌دهد که نظر کشاورزان نسبت به طرح کنونی بیمه اجتماعی روستاییان چندان مثبت نیست و چنانچه یک کشاورز از نظر و رفتار عموم کشاورزان پیروی کند، احتمال پذیرش بیمه از سوی او کاهش می‌یابد؛ و در صورتی که هنگام تصمیم‌گیری، کشاورز خود به ارزیابی فواید بیمه پردازد، احتمال پذیرش او افزایش خواهد یافت.

توسعه اقتصادی و اجتماعی محیط روستایی تأثیری مثبت و معنی‌دار در پذیرش بیمه اجتماعی دارد. این نتیجه، که در مطالعات جینکن (Ginneken, 1999) و یک مؤسسه پژوهشی در اوکراین (GAG, 2006) نیز به دست آمده، از این رو منطقی است که هر چه محیط روستایی توسعه یافته‌تر باشد، تمایل و اطمینان کشاورزان به کار و فعالیت در این گونه محیط‌ها بیشتر می‌شود و برای آنها، نیاز به تأمین اجتماعی اولویت پیدا خواهد کرد. از این رو، این نتیجه از دیدگاهی دیگر با نظرات و بررسی‌های شیرزاد (۱۳۸۳) و رامش (Ramesh, 2007) هم‌خوانی دارد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میان کشاورزان پذیرنده و ناپذیرنده بیمه اجتماعی به لحاظ سه عامل توان اقتصادی خانوار، سرمایه انسانی، و پیروی از دیگران، اختلاف معنی‌دار وجود دارد اما در دو عامل بی‌اعتمادی به کارگزار بیمه و سطح توسعه روستا، تفاوت آنها معنی‌دار نیست. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که پیش‌بینی تأثیرگذاری دو عامل اخیر بر تصمیم‌گیری کشاورزان برای پذیرش بیمه اجتماعی تنها با یک رابطه خطی امکان‌پذیر نیست بلکه این تأثیرگذاری با دخالت آشکار و پنهان متغیرهای دیگر انجام می‌گیرد، که نباید از چشم دور بماند.

پیشنهاد‌های سیاستی

۱- با توجه به تأثیر مثبت توان اقتصادی کشاورز در پذیرش بیمه اجتماعی، برای افزایش میزان پذیرش کشاورزان، پیشنهاد می‌شود که پرداخت حق بیمه آنها بر حسب میزان درآمد و مالکیت متفاوت باشد. افزون بر این، شایسته است سیاست‌ها

به گونه‌ای اتخاذ شود که کشاورزان دارای توان اقتصادی کمتر بتوانند از کمک‌های دولتی برخوردار شوند. همچنین، برخی از کشاورزان دلیل عدم پذیرش بیمه اجتماعی را ناکافی بودن منافع آن دانسته‌اند؛ از این رو، هم‌زمان با اجرای پیشنهاد بالا، بهتر است اقدامی اساسی برای مطلوبیت ارزش مستمری و به تبع آن، سرانه‌های حق بیمه صورت گیرد تا بتوان در کشاورزان انگیزه کافی برای مشارکت ایجاد کرد؛

۲- از آنجا که سرمایه انسانی خانوار کشاورز در پذیرش بیمه اجتماعی تأثیری مثبت دارد، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران ذی‌ربط سیاست‌ها و برنامه‌هایی معطوف به ارتقای اجزای سرمایه انسانی و از آن جمله افزایش مشارکت اقتصادی خانوار، مهارت‌ها، و آموزش رسمی و غیررسمی را به‌طور مستمر مد نظر قرار دهند؛

۳- بر اساس نتایج پژوهش حاضر، بی‌اعتمادی کشاورز عاملی است که تأثیری منفی بر پذیرش بیمه اجتماعی دارد. از آنجا که اصولاً این عامل به‌لحاظ ماهوی از فاصله کارگزار بیمه از کشاورز و نیز سطح پایین مشارکت در فعالیت‌های عمومی ناشی می‌شود، به دست‌اندرکاران بیمه اجتماعی روستاییان توصیه می‌شود که زمینه‌های کاهش و رفع این بی‌اعتمادی را فراهم سازند. از سوی دیگر، بین پذیرندگان و ناپذیرندگان بیمه اجتماعی از نظر این عامل تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و بر این اساس، مشخص می‌شود که این بی‌اعتمادی در میان هر دو گروه رایج است و باید آن را جدی گرفت؛ و

۴- با توجه به نتایج این پژوهش، کشاورزانی که برای تصمیم‌گیری در باره پذیرش یا عدم پذیرش بیمه اجتماعی از نظر و رفتار دیگران پیروی می‌کنند، احتمال پذیرش آنها کمتر خواهد شد. از این رو، به نظر می‌رسد که در جامعه روستایی مورد مطالعه، ویژگی هنجاری «عدم مشارکت» در این‌گونه برنامه‌ها پررنگ‌تر از مشارکت شده که با توجه به عامل بی‌اعتمادی کشاورزان، نتیجه‌ای قابل انتظار است. بنابراین،

توصیه می‌شود که در راستای افزایش مطلوبیت و سودمندی بیمه اجتماعی روستاییان، سیاست‌ها و برنامه‌های انگیزشی و کمکی از سوی دولت به اجرا درآید.

یادداشت‌ها

1. social security
2. risk poling
3. mandatory
4. event condition
5. life cycle model
6. social solidarity
7. diversity of preferences
8. utility
9. self-employed
- ۱۰- در ایران، در تعریف حرف و مشاغل آزاد، شرط داشتن مجوز از دولت و نیز مکان و نشانی خاص برای انجام شغل مطرح شده و همین تعریف در نظام بیمه‌ای موجب شده است که بسیاری از صاحبان مشاغل آزاد از بیمه اجتماعی بهره‌مند نشوند (سام‌آرام، ۱۳۸۳).
11. Geouk
12. myopic behavior
13. Rogers
- ۱۴- اندیشمندان جامعه‌شناسی عمدتاً مفاهیم و سازه‌هایی نظیر جامعه‌پذیری، رفتار فرد در جامعه، و گرایش‌ها را در قالب مفهوم تأثیرپذیری فرد از گروه یا پیروی از نظر دیگران مطرح می‌کنند.
15. traditional concepts
16. gradual cognition process
17. moral hazard
18. descriptive-survey
19. test-retest
- ۲۰- سطح مشارکت در فعالیتهای عمران و توسعه روستایی از طریق این معرف‌ها سنجش و تعیین شد: ۱- برنامه‌های بهسازی محیط روستایی؛ ۲- برنامه تأمین خدمات عمومی، مانند جاده، آب، برق و گاز؛ ۳- برنامه‌های آموزش و بهداشت؛ و ۴- برنامه‌های حفظ و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی، شبکه‌های آبیاری، و غیره.
- ۲۱- شاخص‌های سطح توسعه اقتصادی روستا عبارت‌اند از: سرانه تولید محصولات زراعی، دامی و صنعتی؛ نسبت اراضی آبی؛ نسبت جمعیت شاغل در بخش غیرکشاورزی؛ تعداد صنایع کوچک؛ و کیفیت اراضی و شبکه‌های آبیاری. همچنین، شاخص‌های سطح توسعه اجتماعی روستا عبارت‌اند از: آموزش، بهداشت، درمان، و دسترسی به خدمات عمومی و زیربنایی. وزن هر کدام از این شاخص‌ها در عامل مورد نظر از طریق تحلیل عاملی تعیین شد و با استفاده از روش نمره استاندارد، رفع اختلاف مقیاس صورت گرفت.
- ۲۲- در واقع، داده‌های اولیه برای تحلیل عاملی ماتریس همبستگی بین متغیرهاست که در صورت قوی و معنی‌دار بودن آن، تحلیل عاملی امکان‌پذیر خواهد بود (منصورفر، ۱۳۸۶).
23. orthogonal

24. dichotomous dependent variable
 25. marginal probability
 26. disproportionate
 27. chi-square
 28. recode
 29. Kaiser Mayer Olkin (KMO)
 ۳۰- با هدف تفسیرپذیر کردن عوامل و کاهش مجموعه داده‌ها، طبق ملاک کایسر (Kaiser)، متغیرهای دارای ضریب عاملی کمتر از ۰/۵ در ماتریس عاملی از مجموعه متغیرها حذف شدند.
 31. varimax
 ۳۲- البته باید توجه داشت که در متغیرهای قطبی دارای دو عامل همبستگی، عاملی مد نظر قرار گرفته که در آن، ضریب همبستگی بالاتر از ۰/۵ بوده است.
 ۳۳- از آنجا که داده‌های تحلیل عاملی استاندارد می‌شوند، پیداست که نمره‌های عاملی نیز بدون مقیاس‌اند و می‌توان آنها را گویای اهمیت نسبی هر کدام از عوامل دانست.
 34. covariates
 35. improvement criteria
 ۳۶- همان‌طور که در تحلیل رگرسیون خطی برای بررسی معنی‌دار بودن روابط، از مشخصه‌های استاندارد F و T استفاده می‌شود، در رگرسیون لجیت نیز مشخصه‌های آماری با توزیع کای-اسکوئر (χ^2) به کار می‌رود (کلانتری، ۱۳۸۳).
 37. Maximum Likelihood Estimation (MLE)
 ۳۸- در اینجا، منظور از R^2 شاخص تعریف‌شده از سوی کاکس و اسنل (Cox and Snell) است.
 39. Mann-Wittney

منابع

- ایروانی، هوشنگ و همکاران (۱۳۸۵)، «عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه گندم در شهرستان تفرش»، *مجله علوم کشاورزی ایران*، سال ۳۷، شماره ۱.
 پژویان، جمشید (۱۳۷۹)، *نقش نظام تأمین اجتماعی در کاهش فقر*. مجموعه مقالات فقر در ایران. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
 پناهی، بهرام (۱۳۷۸)، «نظام تأمین اجتماعی و اقتصاد بازار». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. سال ۳، شماره ۱۲.
 ترکمانی، جواد (۱۳۷۷)، «تأثیر بیمه بر کارایی تولید و گرانش به مخاطره بهره‌برداران کشاورزی: کاربرد تابع تولید مرزی تصادفی». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*. سال ۳، شماره ۹.
 ترکمانی، جواد و قربانی، محمد (۱۳۷۸)، «عوامل مؤثر بر تقاضای بیمه محصولات کشاورزی (مطالعه موردی: کشاورزان شهرستان ساری)». *مجله علوم کشاورزی ایران*. سال ۳۰، شماره ۳.

دربان آستانه، علیرضا و ایروانی، هوشنگ (۱۳۸۶)، «عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه محصولات گندم (مطالعه موردی: گندم کاران استان تهران)». *فصلنامه روستا و توسعه*. سال ۱۰، شماره ۲.

دریجانی، علی و قربانی، محمد (۱۳۷۷)، *عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه گندم (مطالعه موردی: استان مازندران)*. مجموعه مقالات دومین گردهمایی اقتصاد کشاورزی ایران. کرج: دانشکده کشاورزی.

راستگو، حمید و رضوانفر، احمد (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر در توسعه بیمه محصولات راهبردی کشاورزی در شهرستان خدابنده». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*. سال ۱۵، شماره ۵۸.

رشیدی، علی (۱۳۸۱)، «تأمین اجتماعی در اقتصاد مردم سالار». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. سال ۲، شماره ۵.

زاهدی، محمدرضا (۱۳۷۵)، *بررسی علل عدم رشد بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد در ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت. سام آرام، عزت اله (۱۳۸۳)، «بررسی تطبیقی بیمه اجتماعی صاحبان حرف و مشاغل آزاد». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. سال ۴، شماره ۱۵.

شیرزاد، حسن (۱۳۸۳)، *رفاه و تأمین اجتماعی روستاییان در فرآیند توسعه کشاورزی ایران*. مجموعه مقالات: تأمین اجتماعی روستاییان (تجارب کشورهای منتخب). تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

صندوق بیمه روستاییان و عشایر (۱۳۸۶)، *مجموعه قوانین و مقررات صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر*. تهران: وزارت رفاه و تأمین اجتماعی (تکثیر در تیراژ محدود). صندوق بیمه روستاییان و عشایر (۱۳۸۷)، *گزارش آمار عملکرد*. تهران: صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر (تکثیر در تیراژ محدود).

طالب، مهدی (۱۳۷۰)، *تأمین اجتماعی*. مشهد: بنیاد فرهنگی رضوی. عبدلی، قهرمان (۱۳۸۴)، «اقتصاد تأمین اجتماعی در ایران (مطالعه موردی منابع بیمه)». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*. سال ۷، شماره ۵.

علی حسینی، محمدتقی (۱۳۸۲)، *نظام تأمین اجتماعی در آلمان*. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

قدیری معصوم، مجتبی و نجفی کانی، علی اکبر (۱۳۸۲)، «برنامه‌های توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آنها بر نواحی روستایی». *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*. سال ۱۱، شماره ۴۴.

کرمی، عزت‌اله و همکاران (۱۳۸۵)، «پیش‌بینی پذیرش آبیاری بارانی، مقایسه مدل‌ها». *فصلنامه علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی*. سال ۱۰، شماره ۱.

کلاتتری، خلیل (۱۳۸۳)، *پردازش داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی*. تهران: شریف. کلدی، علی‌رضا (۱۳۸۰)، «تحول در سیستم رفاه و تأمین اجتماعی کره جنوبی و درس‌هایی برای ایران». *فصلنامه رفاه و تأمین اجتماعی*. سال ۱، شماره ۲.

ماردیا، کانتی وی؛ کنت، جان تی. و بی‌بی، جان ام. (۱۳۷۶)، *تحلیل چندمتغیره*. ترجمه محمد مهدی طباطبایی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ماهر، فرهاد (۱۳۸۳)، *تأمین اجتماعی روستاییان*. مجموعه مقالات: تأمین اجتماعی روستاییان (تجارب کشورهای منتخب). تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۱)، *جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی)*. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.

مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۶)، *برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران*. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.

منصورفر، کریم (۱۳۸۶)، *روش‌های پیشرفته آماری*. تهران: دانشگاه تهران. نوبخت حقیقی، شهاب (۱۳۸۸)، «بررسی پیامدهای تعمیم بیمه‌های اجتماعی به روستاییان و کشاورزان». *دوماهنامه دام و کشت و صنعت*. شماره ۱۱۰، اسفند و فروردین.

Anderson, Jock R. (2001), "Risk management in rural development". *World Bank*. Rural Development Department. Available on: www.worldbank.org/commrisk.

Angelini, John and Hirose, Kenichi (2004), *Extension of Social Security Coverage for the Informal Economy in Indonesia*. ILO, Subregional Office for South-East Asia and the Pacific. Manila, Philippines.

Campbell, J. et al. (2001), *Investing Retirement Wealth, A Lifecycle Model*. Chicago: University of Chicago Press.

- Chetty, Raj (2004), "Optimal unemployment insurance when income effects are large". Available on:
http://elsa.berkeley.edu/~chetty/papers/ui_income.pdf
- Dinar, A. and Yaron, D. (1992), "Adoption and abandonment of irrigation technologies". *Agricultural Economics*. Vol. 6, No. 4, pp. 315-332.
- Feldstein, Martin (2004), "Rethinking social insurance". Presented As the Presidential Address of the American Economic Association (AEA). Available on: www.nber.org/feldstein.
- Feldstein, Martin and Samwick, Andrew (2001), "Potential paths of social security reform". *Tax Policy and Economy*. Vol. 16, No. 2. pp. 181-224.
- GAG (2006), "Social security challenges in rural Ukraine: the case of rural pensioners". Institute for Economic Research and Policy Consulting in German Advisory Group on Economic Reform. Reytarska, Ukraine. Available on: www.ier.kirv.ua.
- Ginneken, Van Wouter (1999), "Social security for the informal sector: a new challenge for the developing countries". *International Social Security Review*. Vol. 52, No. 3, PP. 48-79.
- Goldberg, Fred and Graetz, Michael (2000), *Reforming Social Security: A Practical and Workable System of Personal Retirement Accounts*. Chicago: University of Chicago Press.
- Hardaker, J. B. and Huirne, R. B. M. (1997), *Coping with Risk in Agriculture*. CBA International Institute of the Art and Future Perspectives. UK, Wallingford.
- Hazell, P. (1992), "Farmers expectations, risk aversion and market equilibrium under risk". *American Journal of Agricultural Economics*. Vol. 59, No. 1.
- Jablonska, Lidia (2005), "Social security systems for rural population in Poland". *Journal of Life Sciences*. Vol. 18, No. 4.

-
- Jianguo, Zhou (2006), "Developing social pension insurance in China's rural areas". Available on: www.issa.int/pdf/jeru98/theme2.
- Katz, Lawrence F. and Meyer, Bruce D. (1990), "The impact of the potential duration of unemployment benefits on the duration of unemployment". *Journal of Public Economics*. Vol. 41, No. 1. pp. 45-72.
- Maddala, G. S. (1992), *Introduction to Econometrics*. New York: Macmillan.
- Mohammed, M. A. and Ortman, G. F. (2005), "Factors influencing adoption of livestock insurance by commercial dairy farmers in three zobatat of Eritrea". *Journal of Agrekon*. Vol. 44, NO. 2. University of Kwazulu-Natal, South Aferica.
- Ramesh, T. V. (2007), *Rural Initiatives, Micro-Insurance*. School of Statistics, Central University of Finance and Economics, Xueyuan South Rd, Haidian District, Beijing, China.